

our God is God of love

از ابتدای آفرینش خداوند خود همواره به ما یادآوری می‌کند که او انسان را دوست دارد

وقتی خداوند جهان را آفرید از آفرینش خود خشنود شد و بعد از آن در روز ششم

انسان را آفرید و او انسان را اسراف مخلوقات خود قرار داد این عشقی بود که خداوند از ابتدای آفرینش به انسان داشت و این عشق پیوسته ادامه دارد

در کتاب آفرینش 1:31 خداوند به آنچه آفریده بود نظر انداخت و کار آفرینش را از هر لحاظ عالی دید

و پس هیچ عیبی در آفرینش او وجود نداشت ولی متأسفانه با سقوط انسان پاره‌ای از این آفرینش سقوط کرد و کاستی و کمی درد و رنج و بیماری که همه از وجود گناه سرچشمه

می‌گیرد وارد آفرینش شد و اکنون ما در آن مرحله هستیم

اما خداوند عشق را به آفرینش از دست نداده و از عهد قدیم کتاب مقدس تا عهد جدید همواره به ما می‌گوید که او نسبت به انسانها محبت دارد و انسانها را دوست دارد

در مقام با اربابان دیگر فقط در مسیحت می‌شود این رایافت که خداوند از ما می‌پرسد ای فرزندانم توجه می‌خواهی که من برای تو انجام دهم؟ و اگر این درخواست ما بابت پدر و در

صلاح ما باشد همانا به وقوع می‌پیوندد البته با صبر و تحمل

همانطور که گفتیم او همه آفرینش را برای ما انسانها به وجود آورد تا اینکه با فرستادن

پیکانه و سر مقدس عیسی مسیح این را قطعاً به ما ثابت کرد که او مقدر ما انسانها را

دوست دارد. شاید بزرگترین پیغام کتاب مقدس این باشد یوحنا 3:16

خداوند به قدری مردم جهان را دوست دارد که پیکانه فرزند خود را فرستاده است تا هر که به او ایمان آورد هلاک نشود بلکه زندگی جاوید یابد

او فرزند خود را از سناد و برای نگاهان ما و ربانی سده تمام نجات یابیم به این خاطر که او ما را دوست دارد.

سراسر کتاب مقدس سرشار از محبت و عشق خداوند نسبت به انسانهاست. ولی به خاطر وجود گناه متأسفانه انسانها به راههای بد رفته اند و همواره می روند اما با این حال باز هم خداوند ذره ای از عشق و محبتش را به انسان نگاهداریه بلکه راهی برای بازگرداندن انسانها به سوی خود قرار داده که همان ایمان به عیسی مسیح است و از طریق او راه نجات را بیس یابی ما قرار داده

هم خداوند ذره ای از عشق و محبتش را به انسان نگاهداریه بلکه راهی برای بازگرداندن انسانها به سوی خود قرار داده که همان ایمان به عیسی مسیح است و از طریق او راه نجات را بیس یابی ما قرار داده

اگر نخواهیم به برشته تعالی محرومیم در انجیل رجم کنیم فراموشی داد و بدنی انسانها را بیاری به لطف و مهربانی خداوند می کند

او از ما چیزی نمی خواهد مگر اینکه به او ایمان داشته باشیم و به فرمایش کورس فرادعیم در این صورت او همکاری برای ما خواهد کرد و در آخر ما را نجات خواهد داد

پس می گوید دلالت که این ما انسانها هستیم که انتخاب می کنیم چون او می فرماید من این قدرت انتخاب را به شما داده ام پس هر کسی می تواند به نزد خداوند بیاید از هر قشری و از هر خلقیه اجتماعی.

در مزامیه 27:10 «حتی اگر پدر و مادرم مرا از خود برانند خداوند مرا نزد خود خواهد پذیرفت»

چه کسی فرزند خود را از خود می راند؟ وقتی اگر کسی هم این کار را میکند خداوند نیز برای او است کافی است که فقط به او ایمان داشته باشد. این بجز عشق خداوند و محبت او نسبت به انسانها را بیان می کند و نیز دیدگی نیست

مزامیه 27:14 به خداوند امیدوار باش و بر او توکل کن ایمان داشته باش و نا امید مگر چون نجات تنها از جانب خداوند می آید

مزامیه 34:8 بیایید امتحان کنید و ببینید که خداوند نیکو است خوشایمان کانی که به او پناه می برند

مزامیه 37:9 کانی که انتظار خداوند را می کشد از یزکات او بر خود را فرزند سده

صبر و بردباری یکی از بزرگترین سلاهای خداوند است و خداوند این را نیز به بنده گاش

عطا فرموده زیرا او صبورانه انتظار می کشد که بنده اش به طرفش روگردان شود. ما هم نیز باید نسبت به اهل ایمانمان با صبر و بردباری رفتار نماییم

در این دنیا برای هر چیزی احتیاج به زمان مناسبی است زمانی برای کسب و زمانی برای برداشتن از لحاظ روحانی فاصله مابین کسب و برداشتن را ما صبر می نامیم چون هر دانه ای برای رشد احتیاج به زمان دارد و این نکته نیز در مورد عشق مستثنی نیست چون محبت هم نیاز به صبر دارد

ما باید این نکته را بداندیم که این جهان بگونه ای مکانی برای آزمایشت ماست و اگر ما بدین نکته ای بیهم تلاش در خالصی روح و پاک جسم و ارتباط با قانون بسفر فراهم کرد زیرا که اومی خواهد مایاک بجاییم و خالص شویم به همین دلیل مادر این دنیا با آزمایشت های مختلفی روحی شویم

یکی از بزرگترین دشواریات خداوند این است که همسوی خود را دوست بداریم و کسی که همسوی

خود را دوست ندارد نمی تواند با خداوند رابطه ای دوستانه داشته باشد. متأسفانه در این زمانی که مادر آن زندگی می کنیم انسانها به نزدیکی برای بر سر آورده اند و این کنگ کهری روح از ازیست است. ولی ما ایمان داران نباید اینگونه باشیم هر چند که گاهی اوقات احتیاج به این داریم که مدتی تنها باشیم آن هم برای دعا کردن و دوری روح

اگر هم آئی ایمان داران و اگر که در دعاها به ما یادی دهد که محبت خود را نسبت به خداوند و دیگران میگویند عطاء کنیم

خداوند صبریه ای به ما عطا کرده بنام محبت و او از زمانی فراموش که این محبت را نسبت به دیگران به کار بریم چون اگر کسی بهترین آدم هم که باشد ولی محبت نداشته باشد نسبت به همسوی خودی تفاوت با کسی ایمان نمی دهد از کسی ندارد

مزایم 100:5 خداوند نیلوسست و رحمت و ممانعتش را انتهای سبک

در کتاب ایرب داستان زندگی او را می خوانیم که خداوند او را عقوبت نمود در آزمایشی که او را می دهد و در آخر
صرفاً به خاطر محبتش دوباره او را کامیاب می سازد

شاید این موضوع برای فیلک از اسباب پیش آمده باشد که ما از آن اطلاعی نداریم
در ایرب 28:28 می گوید لا ترس از خداوند حکمت واقعی و دوری نمون از شرارت هضم
حقیقی می باشد

ولی مای بیستم که در حال حاضر دنیای ما را از شرارت سده و در گوشت کنار دنیا جنگ و جدال
دارد

این بدان معنی است که حتی بزرگان و مملکت داران نسبت به حکمت خداوند غشی
ندارند

ولی لطف و محبت خداوند هیچ گاه پایان ندارد و او این محبتش را نسبت به دوست دارانش
ایضا می کند

گاهی اوقات ما با مشکلات یا مصیبت های روبرو می شویم که عقلمان مسبوق می شود
در صورتی که در برهمنی مراد خداوند اجازه می دهد که ما دچار مشکلات شویم به این دلیل که این

مشکلات سبب می شوند که ما از گناه دور بمانیم ولی ما انسانیم و ذاتاً کم فوعلیم و
یعنی در بیشتر مواقع از کار خداوند سردرغنی آوریم

ایرب 34:21 خداوند تمام کارهای انسان را به وقت زیر نظر دارد و همه را می بیند

داستان ایرب به ما می آموزد که خداوند بوقدر انسانها اوست دارد و می خواهد که انسانها
عزیمت باشند چون او از آزردن انسان لذت نمی برد

ولی این بیشتر است با خداوند که از خداوند بزرگتر دان شده و هر کدام به راه خود می روند

و این گناه در و اات انسانهاست و ضللی حال از این گناه لذت می برند چون گناه دانی
سلطانی دارد و این لذت را ما باید به دور افکنیم انعم فقط توسط محبت در خداوند

امکان پذیر است چون خداوند قادر به انجام هر کاری است

اگر واقعا ما نمائیل به عشق و محبت خداوند داریم باید در روزگار ایام بسیم یعنی اینهم به درون خود
نگه داریم که آیا ما چگونه اسانی هستیم آیا ما اسانمانی اعلامیمان را دوست داریم آیا به
دوستان و خانواده خود هر روزی در رزم آیا ما حاضریم برای رفع مشکلات و پیران از خود گذشتگی
نشان دهیم یا اینکه زندگی دیگران برای ما اهمیت دارد

خداوند از خصایل که در خود دارد به ما نیز عطا کرده ما که به خداوند و معنی هیچ ایمان داریم باید از
این خصایل استغنا ده کنیم و برای مگر به همنوع خود از این خصایل بهره بگیریم که همانا محبت
ایمان و امید و عشق است

مزامیر 4: 112 برای کسی که درستکار و بخشنده و مهربان و شکیبوا است حتی در تارگی سب
نیز نور طلوع می کند

بسیار است اینکه دعا کنیم مزامیر 79: 119 ای خداوند بلند ارکانی که نور را برای می دارند و با نور این
نور آستانه هستند به نر زمین بیایند

ما با ارتباط با دیگر ایمانداران همواره می آموزیم که ایمان را چگونه تقویت کنیم و محبت خداوند
را بیسته تجربه کنیم

بیشتر اسانها سعی می کنند در مواقع که دیگران تحت زحمت و فشار هستند یا در مشکلی و سختی
آمده قرار دارند از آنها ملاحظه بکنند چون می خواهند از راهی خود بگذرند یا اینکه می ترسند

مبادا خود گرفتار شوند ولی خداوند این گونه نیست چون او هیچ درد کسی قرار ندارد
و ما موقعی که در مشکلی او به یاری ما می نماند و ما را که جزئی از او هستیم را تحقیق نمی کند

این نشان می دهد محبت خداوند نسبت به بندگان حق می باشد

مزامیر 18: 145 خداوند به آنانی که او را به راستی و صداقت طلب می کنند نزدیک است

مزامه و - 8: 145 خداوند بخشنده و مهربان است او در غضبناک می شود بسیار راضی است او به همه فزونی می کند و تمام کارها را بر حق تو اتم با محبت است

مزامه 11: 147 خشنودی خداوند از کسانی است که او را برای می دارند و بر رحمت وی امید بسته اند

مادر دنیای زندگی می کشد که هنوز در دنیا کورها حقوق و آزادی انسانها رعایت نمی شود و انسانها را به خاطر عقیده شان محکوم و زندانی می کنند یا اینکه به آنها ظلم می شود به هر دلیلی

ولی خداوند اینگونه عمل نمی کند حتی او در مجازاتش از محبت و رحمت خود استغاده می کند چون او از همه چیز آگاه است و حکم او هر چه که باشد عادلانه و منصفانه است و

دوره ای نادرستی در آن وجود ندارد. متأسفانه دنیای ما اسیر اصول انسانی است یعنی قانون انسانی مجازاتی که انسانها برای دیگر انسانها تأمین می کنند و بخاطر همین دنیای کنونی چنین متزلزل است و تا بازلست مسیحی هیچ آرامش جهانی در دنیا اتفاق نخواهد افتاد

چون در این دنیا آدم کاملاً در سنگاری وجود ندارد که هر چه می کند درست باشد و یا هر چه خطای از او سرزند

ولی تنها این خداوند است که رحمتش شب به شب یگان است چه آنکه او هر روز برای چه خوب و چه بد در انجیل متی 45: 5 می گوید به فرموده عیسی مسیح: خداوند

آفتاب خود را بر همه می تاباند چه بر فوجبار و چه بر بدبان باران خود را نیز بر بنوکاران و ظالمان می باراند.

زیرا خداوند کامل است و محبت او بر همه گان یگان. او از ضعفهای ما آگاه است و ما را بخوبی می شناسد زیرا که آمرزیننده دستهای او حصینیم و مانند پدری که فرزندان

را دوست دارد حتی اگر او استیباهی کرده باشد، بلکه ما را تنبیه می کند ولی محبت و عشقش را از ما دریغ نمی کند

این ما را با عیسی که باید بیدار کنیم و اتنا کنیم چون فقط راه وجود دارد

یا که به خداوند ایمان بیاوریم و با او باشیم یا اینکه به راه خود برویم و با خود باشیم

شاعری گوید یا خدا باش و یادش کن بی خدا باشی هر چه خواهی کن

عیسی صبح می‌فرماید: ایمانداران در نماز نور بان حسنه، پس نور خود را بنشان سازید

اعباده دهید نور ایمانتان به همه جا بتابد آنان که مشتاق این نور باشند به سری گمائی آیند و این نور همان محبت خداوند است که به ما عطا فرموده

در متی 7:13 عیسی صبح می‌فرماید: «حفظ با عبور از درختک می‌توان به حضور خدا رسید» یعنی راه ایمان راهی نیست که هر کسی بتواند آن را ببیند چونکه برای دیدن این راه ما باید

چشممان را به بسیاری چیزها در این دنیا ببندیم و باز او می‌فرماید «حفظ آنانی می‌توانند به حضور خدا برسند که اراده بدار آسمانی مرا بجا آورند» و این محبت و عشق است که خداوند به ما

عطا کرده تا که به دیدن آن نیز عشق بورزیم و این اراده خداوندی است

در متی 10:13 عیسی صبح می‌فرماید: «تمام مرهای سر شما نیز حساب شده» این برین معنی است که خداوند در ما دقیق است و ما حقیر برای او مهم هستیم و تا چه حد برای او ارزش داریم تا به حدی که او حساب همه چیز ما را دارد و بدین منزلت که او

حقیر ما را دوست دارد.

و او نیز این محبت را در قبال هم نوع خود از ما می‌خواهد چونکه می‌فرماید متی 7:12

آنچه از شما می‌خواهم این است که رحم و محبت داشته باشید.

ما در مورد افکارمان و سخنانمان باید کمال دقت را داشته باشیم چون سر نوشت انسان از افکار و سخنانش سر بسته می‌گردد و این در زندگی انسان نقش بسیار بزرگی را

ایفا می‌کند

ما قابلیت‌هایی داریم که خداوند در ما گذاشته است و این از خصوصیت‌های خود خداوند است که به خاطر رحمتش به ما خدیره داده و همانا که صداقت نگذشت. نیکوئی و محبت از این قابلیت‌هاست و ما باید از این خدیره الهی استفاده کنیم البته در مقابل دین آن در این صورت ما همیشه سرور محبت خداوند فواصیم بود و او ما را در مسیر زندگیمان راهنما خواهد بود

در انجیل یوحنا 14: 1 می‌گوید (دخلمه خدا انسان شد و بر روی این زمین و در بین ما زندگی کرد اولبریز از محبت و بخشش و راستی بود)

خداوند توسط عیسی مسیح محبت خود را آشکارانه به جهانیان نشان داد تا آنجا که به او ایمان می‌آورند با روح و جان خود این محبت و عشق را درک و حس کنند و به جرم خود سرور محبت را ببینند که همانا عیسی مسیح است.

در یوحنا 13-12: 15 عیسی مسیح می‌فرماید: از شما می‌خواهم که به همان اندازه که من شما را دوست می‌دارم شما نیز بیکدیگر را دوست بدارید بزرگترین محبتی که شفقی می‌تواند در حق دوستش نکند این است که جان خود را در راه ایشان خدا سازد محبت را باید اینچنین ببینید

حال به این سوال باید اندیشید که آیا امروزه هستند کسانی که جان خود را برای دوستانشان خدا کنند؟

این محبتی بود که عیسی مسیح در راه ما و برای ما با نذر شدن از جان خود ایستاد کرد

خداوند انقدر ما را دوست دارد که برای نجات جان ما از فتنه یگانه‌گرایی فرزند نگذشت و امر را برای آمرزش گناهان ما قربانی کرد با اینکه خداوند مانع قربانی کردن اسحاق پدیده

ابراهم شد اما وجودی از خودش که همان عیسی مسیح است را در راه ما قربانی کرد

این به چه معنی می‌تواند باشد بجز اینکه او ما را دوست دارد و خواهان زندگی

بناک و معتمدن برای ماست. و قربانی اسحاق پدیده ابراهیم بجز اطمینان

و ایمان ابراهیم به خداوند غیر دینی بود و چون خداوند این ایمان را دید ابراهیم را دوست خود خواند و او را محبت کرد.

در کتاب اول قرنتیان 2: 9 می خوانیم: کتاب آسمانی می فرماید که خدا برای دوست داشتن داران خود چیزهایی تدارک دیده است که هیچ انسانی هرگز ندیده و شنیده و حتی به فکرش هم خطور نکرده.

پس خداوند بخاطر محبتش چیزهایی برای شنودی صادر نظر گرفته که فکر هیچ انسانی به آن خطور نمی کند و این ایمان ما است که امکان دسترسی به درین محبتی را ممکن می سازد

اول قرنتیان 2: 6 می گوید: آیا نمی دانید که ما صیحبان یک روز دنیا را هر روز داداری و داوری قرار خواهیم داد تا جایی که حتی فرشتگان را داوری خواهیم کرد

این بجز عشق خداوند نیست به ما و محبت او غیر دینی نمی تواند باشد که چنین اجازه و رتبه ای را به انسان می دهد

اول قرنتیان 13: 13 پس سه چیز همیشه باقی خواهد ماند ایمان امید و محبت اما از همه اینها بزرگتر محبت است.

اول قرنتیان 13: 8 همه عطایایی که خداوند به ما می بخشد روزی به انتها خواهد رسید

اما محبت تا به ابد باقی خواهد ماند و از میان نخواهد رفت. در واقع این بدین معنی است که محبت تنهایی چیزی است که باید ارادت چون خداوند همیشه محبت است

در روی زمین میلیونها گونه موجود زنده وجود دارد از حیوانات تا گیاهان و درختان و کبکریان

در باها. این محبت خداوند است که ما را حکم این موجودات قرار داده و همه اینها را برای رفاه و آسایش ما آفریده نه برای سوال اینها است در قبال این همه محبت خداوند ما چه چیزی داریم که در

عوضش به خداوند عطا کنیم؟ او می فرماید من از شما می فرایم که مرا بپرستید و از من سزاگزار باشید

در خلاصه بیان 14:5 تمام دستور است خداوند در این دستور خداوند می گوید که در این راه دوستی برادر
به همان اندازه که خود را دوست می داری

مواضعی در زندگی انسانها را می دهد که ما از خود بیزار می شویم غالباً به هر دلیلی (همچون زندگی آسان نیست)
ولی این بدین معنی نیست که از دور آن نترسید و بیدار گشته یا گشته به دل بکنیم

در این مواقع بهتر است تقاضا کنیم و با خداوند در راز و نیاز باشیم تا وضعیت ما را برطرف کند و بتوانیم
ضمیمات را ادامه دهیم. ما باید به یاد داشته باشیم که ما همواره به جلوی رویم مسائل و مشکلاتی

در زندگی ما را بر سر می آید ولی ما با ایمان به خداوند و اطمینان به اینکه او ما را دوست می دارد
این مواقع را کنار زده و آنها را پشت سر خواهیم گذشت و بعد از آن درک خواهیم کرد که

خداوند بجز ما را دوست دارد. ایمان به ما نشان می دهد که هرگز نخواهیم گریختیم و تحول به ما
نگاه می کند که ما به اسرار خداوند عشق بورزیم

این را باید بدانیم که عشق عملی از سر ایمان است نه اینکه یکباره بستان

با اینکه فضای از مردم در زمان عیسی مسیح به او بپی کردند اما او بپی ایشان را با بپدی ندادی نکرد
بلکه عشقش را با مردم کرد

ما می توانیم در طبیعت تجلی عشق خداوند را ببینیم دوست داشتن در بیان و طبیعت
اطرافمان ما را از درد و رنج آزاد می کند

حرف بزرگ مادر زندگی عشق است و ما بقی سلوک. سلوک برای پی بردن به اسرار و
عشق که خداوند در خود دارد و به انسانها نیز عطا کرده است

در فیلیپیان 4:4 می گوید لا در خداوند داعی شاد باشید و باز هم می گویم شاد باشید
چون خداوند ما را دوست دارد پس شخصاً این عشق خداوند نیست به آسان را تجربه
کرده بود. با اینکه او مسیحی از زندگی خود را در زندان بسر برد ولی یقین داشت که خداوند هم محبتی
بست به او و ایمانداران دارد و به همین دلیل تا آخرین لحظه مرگش خود را شاد خداوند کرد

عسی صبح می فرماید: «هر کس تا به آخر عمل کند نجات می یابد» بهتر است بیداریم که
خداوند در همه جا و همیشه در همه دسترس است و او همیشه حاضر دارد.

حقاً کافی است که ایمان را با او نشان دهیم تا محبتش را نسبت به خود حس کنیم

در نامه اول یوسف 4: 12-13 می گوید. ماهی بگناه خدا را انداختیم اما اگر بیداریم را محبت کنیم
خدا در وجود ما مسکن می گزیند و محبت او در ما عفو می گیرد خدا برای همین روح
پاک خود را در وجود ما قرار داده تا بیداریم که خدا در ما ساکن است و ما در خدا

بلی اینچنین است اگر ما می خواهیم شخصاً محبت خدا را تجربه کنیم، با محبت کردن به
دیگران می توانیم محبت خداوند را درک کنیم

اول یوسف 4: 19 محبت ما نسبت به خدا از محبتی ناشی می شود که او اول نسبت به ما را دوست
اول یوسف 4: 21 این گفتم خداست که هر که او را دوست می دارد باید همیشه خود را بیشتر
دوست داشته باشد.

با این مطالعه و تحقیق و عقیدت ایمان می بریم که خداوند انسان را دوست دارد

و ما هم باید خداوند را دوست داشته باشیم و این محبت را نسبت به دیگران با عمل

نشان دهیم. دوستان و ایمانداران به یاد داشته باشید که همراهی می کنید نه تنها
برای خود بلکه برای دیگران هم دعا کنید چون خداوند از این عمل خوشنود می شود

با این امید که همراهی در محبت خداوند باشیم از او بسیار شکر داریم

وی صبرانه منتظر بازگشت پسرش عسی صبح به گریه بریم

فیض و جلال عسی صبح بر شما باد

آمین

سید علی